

جامعه نیکوکاری ابرار

وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

در این شماره می خوانید:

3 انفاق و اهمیت آن

مصاحبه

6 گفتگو با شافعی، عضو هیات امنای ابرار

گزارش

9 جامعه معلولان یاس



انفاق و اهمیت آن

بر خلاف سایر عبادات و اعمال، که در نبودن آنها چندان فقدان و زوالی در ناحیه خود حس نمی کند و در آیه 261 سوره بقره می فرماید: **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ**؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند، که در هر خوشه، یکصد دانه باشد، و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند، و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع، و (به همه چیز) داناست» (بقره ، 261)

مساله انفاق یکی از مهم ترین مسائلی است که اسلام روی آن تاکید دارد و قرآن مجید تاکید فراوان روی آن نموده است، که آیه فوق نخستین آیه از يك مجموعه آیات است که در سوره بقره پیرامون انفاق سخن می گوید و شاید ذکر آنها پشت سر آیات مربوط به معاد از این نظر باشد که یکی از مهمترین اسباب نجات در قیامت، انفاق و بخشش در راه خدا است. بعضی نیز گفته اند: این آیات پیوندی دارد با آیات جهاد، و انفاق در راه جهاد که قبل از آیات مربوط به معاد و توحید، در همین سوره آمده بود. نخست می فرماید: مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه ای یکصد دانه باشد که مجموعاً از يك دانه هفتصد دانه برمی خیزد. تازه پاداش آنها منحصر به این نیست، بلکه خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی در آنها و انفاق آنها را از نظر نیت و اخلاص و کیفیت و کمیت ببیند) دو یا چند برابر می کند. و این همه پاداش از سوی خدا عجیب نیست چرا که او (از نظر رحمت و قدرت) وسیع و از همه چیز آگاه است.



یکی از وظایف مهم افراد در جامعه اسلامی، دستگیری از نیازمندان و تهیدستان است. هر کس به اندازه امکانات و توانمندی خویش وظیفه دارد که خلاءهای موجود در زندگانی افراد را جبران و کمبودهای آنان را پاسخگو باشد. همانگونه که خداوند نیازمند و فقیر را با فقر و نداری امتحان می کند، ثروتمندان را نیز این گونه می آزماید. کمک به افراد نیازمند اگر **همراه با خلوص نیت و به خاطر رضای پروردگار باشد** دارای تأثیرات بی شماری است. برخی از آثار آن در همین جهان مشاهده می شود و برخی از آثار آن در جهان دیگر، به عنوان پاداش های اخروی، ظاهر می گردد.

خداوند در سوره بقره آیه 274 به ستایش کسانی پرداخته که در شب و روز و نهان و آشکار انفاق می کنند و برخی آن را «آیه انفاق» گفته اند: **الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**؛ کسانی که دارایی های خود را در شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند».



چه انفاقی با ارزش است؟

در آیه قبل اهمیت انفاق در راه خدا به طور کلی بیان شد، ولی در آیه مورد بحث بعضی از شرائط آن ذکر می شود. می فرماید: کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند سپس به دنبال انفاقی که کرده اند منت نمیگذارند و آزاری نمی‌رسانند پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. علاوه بر این نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می شوند. از این آیه به خوبی استفاده می شود که انفاق در راه خدا در صورتی در پیشگاه پروردگار مورد قبول واقع می شود که به دنبال آن منت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است نباشد. بنابراین کسانی که در راه خداوند بذل مال می کنند ولی به دنبال آن منت میگذارند یا کاری که موجب آزار و رنجش است می کنند در حقیقت با این عمل ناپسند اجر و پاداش خود را از بین می برند. آنچه در این آیه بیشتر جلب توجه می کند این است که قرآن در واقع سرمایه زندگی انسان را منحصر به سرمایه های مادی نمی داند، بلکه سرمایه های روانی و اجتماعی را نیز به حساب آورده است. کسی که چیزی به دیگری می دهد و منتی بر او میگذارد و یا با آزار خود او را شکسته دل می سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است زیرا اگر سرمایه هایی به او داده سرمایه های هم از او گرفته است و چه بسا آن تحقیرها و شکستهای روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است .

بنابراین اگر چنین اشخاصی اجر و پاداش نداشته باشند کاملاً طبیعی و عادلانه خواهد بود بلکه می توان گفت چنین افراد در بسیاری از موارد بدهکارند نه طلبکار زیرا آبروی انسان به مراتب برتر و بالاتر از ثروت و مال است. بنابراین معنی آیه چنین می شود کسانی که انفاق می کنند و بعداً منتی نمیگذارند و آزاری نمی‌رسانند پاداش آنها نزد پروردگار

در حالی که قاعدتاً باید عمل آنها تشبیه به این دانه شود، نه خود اینها. تشبیه افراد انفاق کننده به دانه های پر برکت تشبیه جالب و عمیقی است گویا قرآن می خواهد بگوید: عمل هر انسانی پرتوی از وجود او است، و هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان در حقیقت توسعه یافته است. شبیه این معنی در آیه 265 همین سوره آمده است .

انفاق مهمترین طریق حل مشکل فاصله طبقاتی

با دقت در آیات قرآن مجید آشکار می شود که یکی از اهداف اسلام این است که اختلافات غیر عادلانه های که در اثر بیعدالتیهای اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمیتوانند نیازمندیهای زندگیشان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالا بیاورد و حداقل لوازم زندگی را داشته باشند. اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی در نظر گرفته است - تحریم رباخواری بطور مطلق، و وجوب پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آنها و تشویق به انفاق - وقف و فرض الحسنه و کمکهای مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می دهد و از همه مهمتر زنده کردن روح ایمان و برادری انسانی در میان مسلمانان است و در آیه 262 سوره بقره می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفًا عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمیگذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است، و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند (بقره/262)



پرداخت انفاق مؤدبانه و محترمانه و خالی از منت باشد



انفاق کنندگان در پیشگاه خدا محفوظ است، نه از آینده خود در رستاخیز ترسی دارند و نه از آنچه در راه خدا بخشیده اند، اندوهی به دل راه می دهند. بعضی نیز گفته اند آنها ترسی از فقر و کینه و بخل و مغبون شدن ندارند و نه غمی از آنچه انفاق کرده اند .

محفوظ است. و این خود میرساند که منظور قرآن تنها این نیست که پرداخت انفاق مؤدبانه و محترمانه و خالی از منت باشد بلکه در زمانهای بعد نیز نباید با یادآوری آن منتی بر گیرنده انفاق گذارده شود، و این نهایت دقت اسلام را در خدمات خالص انسانی می رساند. باید توجه داشت که منت و آزاری که موجب عدم قبول انفاق می شود اختصاص به مستمندان ندارد بلکه در کارهای عمومی و اجتماعی از قبیل جهاد در راه خدا و کارهای عام المنفعه که احتیاج به بذل مال دارد نیز رعایت این موضع لازم است. جمله (لهم اجرهم عند ربهم) به انفاق کنندگان اطمینان می دهد که پاداششان نزد پروردگار محفوظ است تا با اطمینان خاطر در این راه گام بردارند زیرا چیزی که نزد خدا است نه خطر نابودی دارد و نه نقصان، بلکه تعبیر (ربهم) پروردگارشان (ممکن است اشاره به این باشد که خداوند آنها را پرورش می دهد و بر آن می افزاید).

جمله (و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون) اشاره به این است که آنها هیچ نوع نگرانی نخواهند داشت، زیرا خوف، همانگونه که در سابق هم اشاره شد نسبت به امور آینده است، و حزن و اندوه، نسبت به امور گذشته، بنابراین با توجه به اینکه پاداش



جامعه هستند که ما را در راه اهداف این جامعه کمک می کنند.

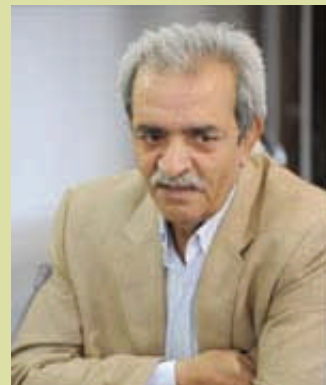
شافعی در مورد نحوه تامین مالی این جامعه می افزاید: تامین مالی این جامعه از سوی مردم نیکوکار و اعضای جامعه نیکوکاری ابرار چه در داخل و خارج کشور صورت می گیرد و ما در سال به طور متوسط چیزی در حدود 3 میلیارد تومان پروژه انجام می دهیم. تعداد واحد های آموزشی که تا حال تاسیس کردیم 578 فقره است که علاوه بر این واحد ها بخش هایی در مسایل بهداشتی و درمانی دایر کردیم که از جمله آنها می توان به تعداد زیادی اورژانس جاده ای و خانه های بهداشت در روستاها اشاره کرد.

وی ادامه می دهد: به تازگی روی آموزش فنی و حرفه ای و ساخت هنرستان های فنی تمرکز کرده ایم و در حال حرکت به سمت کارآفرینی در مناطق محروم هستیم و تا کنون در روستاهای فراوانی با ایجاد کارگاه های قالبی بافی و صنایع دستی توانستیم اشتغال افراد زیادی را فراهم کنیم .

شافعی در مورد جامعه نیکوکاری یآوری خراسان می گوید: جامعه یآوری خراسان بیشتر از سوی اعضای آن اداره می شود و اعضا با توجه به علاقه ای که دارند در اداره این نهاد مشارکت فعال دارند و داوطلبانه بخشی از فعالیت های این جامعه را انجام می دهند و مادر جامعه یآوری خراسان از اقشار مختلف جامعه از جمله مدیران اقتصادی کشور که بیشتر آنها از اعضای اتاق بازرگانی هستند عضو داریم و هر کدام از این افراد مدیریت بخشی از فعالیت های این جامعه را بر عهده دارند و این جامعه با وسعت کاری زیاد خود تنها 3 پرسنل حقوق بگیر دارد و بقیه کارها از سوی داوطلبانی انجام می شود که بدون هیچ گونه چشم داشت مادی در این نهاد حضوری فعال دارند.

وی در مورد معیارهای انتخاب مناطق برای کمک مالی به آنها، تاکید می کند: ما در انتخاب خود، میزان محرومیت، نیاز افراد و استعداد های تحصیلی را مد نظر داریم و برنامه منظمی برای کشف استعداد های درخشان در مناطق محروم داریم که با تنظیم پرسش نامه هایی که در اختیار آموزش و پرورش قرار می گیرد و با تکمیل این فرم ها در مدارس و بررسی کمیته جامعه یآوری، افراد مستعد و استعداد های شاخص شناسایی می شود .

بخش کارآفرینی و آموزش در اولویت کارهای خیر است



شافعی اهل مشهد است او از سال 1364 عضو اتاق بازرگانی شده و در چهار دوره عضو هیات رییس اتاق مشهد و نایب رییس اتاق بازرگانی مشهد بوده است. وی یک و نیم دوره هم به عنوان رییس اتاق مشهد فعالیت کرده و یک دوره هم نایب رییس اتاق ایران بوده است.

وی به دلیل علاقه به رفع مشکلات نیازمندان جامعه، با همکاری تنی چند از همرده های خود موسس سازمان خیریه ای شد که این سازمان تاکنون مشکلات قشر بزرگی از اهالی استان را به ویژه در بخش آموزش و تحصیل مرتفع کرده و دانش آموزان مستعد و در عین حال نیازمند زیادی را روانه دانشگاه های کشور ساخته است. در گپی خودمانی با او متوجه می شویم که به کار خود عشق می ورزد و نیکوکاری را نه از بابت خودنمایی و تبلیغ که به خاطر نفس کمک به نیازمندان و احساس وظیفه در مقابل قشر کم درآمد، انجام می دهد.

شافعی در این زمینه می گوید: من به اتفاق چند نفر از دوستانم در سال 1363 اقدام به تاسیس یک سازمان نیکوکاری در خراسان کردیم که بنیانگذار اصلی مرحوم مجتبی کاشانی بود و در هسته اولیه این نهاد مهندس معین حاجی خانی و عثمان محمد پرست بودند. تمرکز فعالیت های این نهاد روی آموزش و پرورش تمرکز بود و در ابتدا در جنوب خراسان به علت محرومیت این ناحیه آغاز شد.

وی ادامه می دهد: ساخت مدارس در روستاهای محروم، دادن بورسیه به دانش آموزان محروم و در عین حال با استعداد روستایی، کمک به تهیه لوازم التحریر دانش آموزان بی بضاعت از جمله کارهایی بود که در جامعه یآوری خراسان پیگیری می کردیم. این جامعه به مرور زمان فعالیت های خود را گسترش داد و بزرگ تر و بزرگ تر شد و به سایر استان های کشور نفوذ پیدا کرد و حتی در آن طرف مرز ها نیز فعالیت خود را گسترش داد و هم اکنون تعداد زیادی از ایرانی های خارج کشور از اعضای این



و جامعه به سراغ این افراد می رود و آنها را تحت پوشش قرار می دهد و برای ادامه تحصیل از آنها حمایت می کند.

شافعی در مورد راه های دیگر کشف استعداد می گوید: در سفرهای دوره ای که هر فصل انجام می شود که تعدادی افتتاح و کلنگ زنی با حضور همه اعضا داریم، بچه هایی را هم حضوری پیدا می کنیم.

وی در تشریح کمک های آموزشی به مناطق محروم می گوید: در مناطق محروم، بسیاری از روستاها هستند که دبستان دارند اما مقاطع راهنمایی و دبیرستان ندارند و ما در هر منطقه ای از کشور یک روستا را که مرکزیت دارد انتخاب می کنیم و در آن روستا، مدرسه شبانه روزی ایجاد می کنیم تا دانش آموزان روستاهای اطراف را که دبیرستان ندارند به این خوابگاه های شبانه روزی منتقل کنیم تا در این خوابگاه ها مقاطع راهنمایی و دبیرستان را هم به پایان برسانند.

شافعی به استان هایی که جامعه نیکوکاری بیشتر در آن فعال است اشاره می کند و می افزاید: در خراسان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان تمرکز داریم و به طور متفرقه و کم در استان های دیگر ولی تمرکز ما در این استان ها به دلیل محرومیت آنها است.

وی این کار را یک مسوولیت اجتماعی می داند و به این دید به آن نگاه می کند.

شافعی می گوید: اکثر گردانندگان جامعه یاوروی خراسان از اعضای هیات نمایندگان اتاق مشهد هستند و اکثر کمک دهندگان هم از اعضای اتاق مشهد هستند. حتی می شود چنین تصور کرد که جامعه یاوروی خراسان وابستگی مستقیمی به اتاق بازرگانی مشهد دارد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا فقط باید پولدار بود تا بتوان نیکوکاری کرد می گوید: من تصور می کنم که هر کس در هر جایگاهی که هست چه کم پول داشته باشد و چه زیاد نسبت به اطراف خود مسوولیت دارد و باید به مسوولیت اجتماعی خود توجه کند. ما در هر جامعه ای که زندگی می کنیم

باید نسبت به آن جامعه احساس مسوولیت کنیم. کار نیکوکاری به اندازه و میزان آن نیست بلکه هرکس در هر جایگاه و مقام و موقعیت مالی می تواند یک نیکوکار باشد. ما به دنبال گسترش فرهنگ نیکوکاری و توسعه اندیشه نیکوکاری هستیم تا این که به کمیت در نیکوکاری فکر کنیم. اگر این فرهنگ گسترش پیدا کند همه آدم هایی که کنار هم زندگی می کنند می توانند برای ایجاد یک زندگی شاد و بشاش اثرگذار باشند.

شافعی در مورد فرهنگ نیکوکاری در ایران تاکید می کند: در ایران فرهنگ کار خیر خیلی قوی است. در ایران دل عاشق همه جا ریخته است و کسی باید آن را جمع کند. کافی است مردم بتوانند به شما اعتماد کنند که شما نیت آنها را از بابت کار خیر به سرانجام می رسانید، به موقع انجام می دهید و به درستی و به سلامت انجام می دهید. اگر این اعتماد حاصل شود همه در نیکوکاری و کارهای خیر مشارکت می کنند.

وی ایجاد این اعتماد را فقط با استفاده از عمل امکان پذیر می داند و معتقد است که این کار با حرف و روضه خوانی قابل انجام نیست.

شافعی با اشاره به بورسیه ای جامعه یاوروی خراسان می گوید: ما در جامعه یاوروی خراسان حدود 80 تا 85 نفر در مقطع دانشگاه و دبیرستان بورسیه داریم. در مقاطع پایین تر مثل دبستان همان کمک هزینه های تحصیلی کافی است که نیازهای تحصیلی آنها را تامین کنیم که در مورد، تعداد آنها زیاد است ولی آمار آن را ندارم.

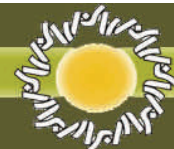
وی در عین حال ایجاد جامعه نیکوکاری ابرار به ویژه در اتاق بازرگانی را حرکت بسیار خوب و قابل ستایشی می داند و اعتقاد دارد که اکثریت جامعه نیکوکاران در هر کجا که هستند فعالان اقتصادی هستند که جامعه گاه به آنها نگاه دیگری دارد و به آنان به چشم مرفهان بی درد که از درد بقیه اطلاع ندارند نگاه می کند در حالی که عکس این قضیه است. موسسات خیریه ایران اکثرا از سوی فعالان اقتصادی اداره می شود ولی این را جامعه نمی داند. کار اتاق بازرگانی در این زمینه به وجود آوردن نگاه واقع بینانه نسبت به فعالان اقتصادی در این زمینه است.

شافعی می افزاید: به نظر من اعضای اتاق های بازرگانی باید از جامعه نیکوکاری ابرار استقبال کنند و از آنجا که قرار است بسیار سازماندهی شده عمل کند، با اعتماد آن را تقویت کنند تا بتواند اثرگذاری خود را در جامعه ایرانی نشان دهد.

وی در مورد عملکرد جامعه ابرار نیکوکاری می گوید: به نظر من حرکت ابرار بد نبوده اما راضی کننده هم نیست و ابرار هنوز راه خود را پیدا نکرده است و یک سرگردانی در آن می بینم.

شافعی چاره کار را هم در این می داند که مجموعه مدیران ابرار باید دور هم بنشینند و با تعامل راهکارهای بهتر را پیدا کنند.

وی درباره نحوه اداره جوامع نیکوکاری معتقد است: ما سازمان های نیکوکاری را نباید همانند سایر سازمان ها نگاه کنیم تا یک سازمان و تشکیلات عریض و طویل شوند و از سوی افرادی که



ماهی ندهیم، ماهیگیری یاد بدهیم

شافعی می گوید: به نظر من در ایران هم فقط نیست بلکه در کشورهای دنیا کارهایی که یا وظیفه دولت نیست و بودجه دولتی ندارد را مردم به عهده می گیرند. مثلا نزدیک به 70 درصد سهام بوش یا میکروسافت صرف امور نیکوکاری می شود. در دنیا بخش اعظمی از کارهای نیکوکاری را مردم انجام می دهند نه دولت ها و در ایران نیز باید به همین گونه باشد.

وی تاکید می کند: ما نسبت به جامعه مسوولیم و باید به نیازمندان جامعه کمک کنیم ولی این کمک ها نباید به گونه ای باشد که منجر به گداپروری شود که این بسیار غلط و ضد نیکوکاری است. ماهی ندهیم بلکه ماهیگیری یاد بدهیم. یک جوان روستایی که به شهر مهاجرت می کند می توان با مقدار کمی کمک با یک بورسیه به یکی از بهترین دانشجویان کشور تبدیل کرد. آن وقت آن جوان به جای ماشین شویی به یک پزشک یا مهندس تبدیل می شود یا آدمی که فردا در جامعه منشا خدمات زیادی خواهد بود. شافعی کاهش امور خیر را نسبت به قدیم را قبول ندارد و می گوید: من مقایسه ای میان نیکوکاری در الان و قدیم نداشته ام ولی تصور نمی کنم که الان کم شده باشد. در جامعه کوچک اگر کاری انجام شود سریع نمود پیدا می کند ولی وقتی جامعه گسترش پیدا می کند اینها خیلی سریع خود را نشان نمی دهد. تصور نمی کنم که کار خیر کم شده باشد بلکه حتما زیاد هم شده است.

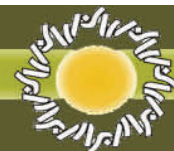
او در مورد آمار کارهای خیر در اتاق بازرگانی هم اظهار می دارد: اتاق حتما آمار و اطلاعاتی دارد ولی درکل زیاد شده است. در مجموع نگاه نیکوکاران جامعه کاهش نیافته است ولی در مورد اتاق ممکن است کم شده باشد که باید از مسوولان آن پرسید.

استخدام می شوند اداره شوند. این کار بسیار کار غلطی است و اگر چنین شود در آینده هم جایگاه خوبی را نخواهد داشت. باید آدم های عاشق را پیدا کرد که از دل و جان به این کار عشق می ورزند باید این افراد را برای توسعه فعالیت کمک بطلبند.

شافعی در مورد اولویت نیازهای افراد کم درآمد می گوید: در کشور ما آن قدر نیازمندی ها زیاد و متنوع است که سراغ هرکدام بروید فکر می کنید اولویت است ولی به نظر من اکنون بخش کارآفرینی و بخش آموزش در اولویت است. و اما شافعی برای تداوم حیات سازمان های نیکوکاری هم طرح دارد و می گوید: منطقی است که جامعه نیکوکاری را درآمدزا کنیم که در آینده هم وجود داشته باشد. ما در جامعه یآوری خراسان کاری را شروع کرده ایم که به جای کمک سالیانه به جامعه، بخشی از سهام شرکت خود را به این نهاد هدیه کنند که این کار دارد انجام می شود و به زودی جامعه یآوری سهامدار صدها کارخانه خواهد شد که می تواند در تداوم کار جامعه یآوری تاثیرگذار باشد. ابرار هم اگر در این سو حرکت کند در آینده موفق خواهد بود.

وی از خدا برای کسانی که دل شوریده دارند توفیق آرزو می کند و اظهار می دارد: در مقابل همه کسانی که به غیر از خود به افراد دیگر هم فکر می کنند سر تعظیم فرود می آورم. شافعی در مورد مسکوت نگه داشتن یا تبلیغ کارهای خیر نظری متفاوت با خیلی ها دارد. به اعتقاد او بسیاری از کسانی که در جامعه یآوری کمک می کنند تمایل ندارند که در معرض دید قرار گیرند. اما برای ترویج اندیشه نیکوکاری باید الگوهای نیکوکاری را به گونه ای که جنبه تبلیغ پیدا نکند به مردم معرفی کرد تا این الگوها خود بتوانند فرهنگ سازی کنند. بنابراین اینکار اگر کاملا در خفا انجام شود درست نیست.

وی در مورد راهکار تغییر نگاه مردم نسبت به فعالان اقتصادی هم بر این عقیده است که با معرفی الگوها می توان نگاه جامعه را نسبت به فعالان اقتصادی تغییر داد.



ورود به قطعه ای از بهشت اینجا به یاس های معلول، توان زیستن می بخشند



من خدیجه نیک نژاد متولد سال 1358 وفارغ التحصیل رشته روانشناسی بالینی از دانشگاه تنکابن هستم، از کودکی نویسندگی می کردم و دردهای اجتماع و مردم دغدغه زندگیم بوده است.

چه شد که به فکر راه اندازی مرکزی برای حمایت از معلولان افتادید؟

من و همسرم آقای نوری در حدود 8 سال پیش این مرکز توانبخشی را برای معلولان ذهنی پسر بالای 14 سال در محمودآباد دایر و از همان زمان فعالیت های خود را آغاز کردیم. هر کسی در ابتدای هر کاری هدف های بزرگی را در سر دارد ولی وقتی وارد کار می شود می بیند که مشکلات کار بسیار زیاد است.

ما در ابتدا با اخذ مجوز از بهزیستی شروع کردیم و در ابتدای امر جا و مکانی نداشتیم و بهزیستی تنها به ما مجوز داد و گفت که بقیه کارها بر عهده خودتان است و ما فقط این مجموعه را زیر نظر می گیریم. ما در ابتدا مکانی را اجاره کردیم و با کمک بهزیستی یک سری آمارها را روستا به روستا

اینجا سرای زندگی بخشیدن به کودکان و بزرگسالانی است که امید به زندگی هنوز در دل های پاک و بی آلایش آنان زنده است. گرچه معلولند و به این دلیل از بسیاری از مواهب زندگی محروم، اما در افق نگاه های آنان می توان آرزوهای کوچک و بزرگی را دید. آنان اگر می توانستند و به اراده خودشان بود، سالم و بدون هیچ گونه نقصی به دنیا می آمدند و سالم و بدون نقص به زندگی در این کره خاکی خو می گرفتند اما دست تقدیر، آنان را از دیگر افراد متفاوت ساخته است اما این تفاوت، راز و رمزهای وجودی آنان را آشکار ساخته است. اینجا قطعه ای از بهشت است، بهشتی گمشده در خطه سرسبز سرزمین پارسین، اینجا مرکز توانبخشی معلولان یاس در استان مازندران است. مرکزی که به کمک خیران برپا شده و به کمک همانان نیز پابرجا مانده است. اما پایه و اساس این مرکز نیکوکاری را زوجی بنا نهاده اند که خود در رشته ای همسو با این زمینه، درس خوانده و فارغ التحصیل شده اند. هدفشان الهی بوده و در این راه، خدا نیز آنها را هیچ گاه تنها نگذاشته است. گفت و گوی ما را با خدیجه نیک نژاد مؤسس مرکز توانبخشی یاس و پاسخ های شنیدنی این بانوی جوان و نیکوکار را بخوانید: لطفا به صورت مختصر خود را معرفی کنید؟



مسجد هامبورگ در یک نگاه

از بچه های بی سرپرست عشق من بود و این عشق مانند شعله ای در وجود من زبانه می کشید و خداوند به همین خاطر، این مسوولیت زیبا را به دوش من گذاشت تا آتش این عشق شعله ور بشود یعنی خدا خدمت به این بچه ها را نصیب من کرد و من عشقم را در این کار پیدا کردم .

یعنی شما عشق را عامل اصلی در موفقیت کارتان در مرکز حمایت از معلولان می دانید، وقتی شما وارد مجموعه ای می شوید به تمام اعضای آن مجموعه عشق می دهید و چیزی برای این عشق نمی خواهید، هیچ عشقی والتر از این نیست. گنج های من این بچه ها هستند که مانند حساب های بانکی قوی من هستند. به خاطر این عشق و همت، بچه های ما امسال رتبه یک کشوری را در زمینه معرق و قالی بافی کسب کردند به عبارت دیگر این بچه ها با اخذ هر رتبه ای، حساب های من را پرتر می کنند . من بچه های ناتوانی را در بیرون می بینم که مانند بقیه افراد عادی می خواهند کار کنند و مورد ترحم قرار نگیرند.

حالا که فعالیت شما حالت ثبات به خود گرفته فکر می کنید چه کمبودهایی در مرکز دارید که در اولویت قرار دارد؟

یکی از کمبودهای بچه های ما این است که زمینی برای ورزش ندارند و این بچه ها وسیله ای برای رفت و آمد به این مکان ندارند و برای هزار تومان پول هم مشکل دارند. می خواستیم با افرادی خیر صحبت کنیم تا هزینه رفت و آمد این بچه ها را تقبل کنند. در این مرکز بچه ها به صورت شبانه روزی نگهداری نمی شوند و بچه ها به این مرکز می آیند، آموزش می بینند و به خانه هاشان برمی گردند. در این مرکز بچه های معلول ذهنی آموزش پذیر و تربیت پذیر وجود دارند. و محصول یا به عبارتی ثمره این آموزش ها تاکنون چه بوده است؟

ما در حدود 12 نفر را آماده کرده ایم که سه ماه دیگر بتوانند با مدرک فنی وارد جامعه بشوند، کار کنند و روی پای خود بایستند. بسیاری از این بچه ها وقتی وارد این مرکز شدند حتی نمی توانستند خودشان به تنهایی حمام بروند و ما به این بچه ها آموزش خودیاری دادیم تا بتوانند کارهای خودشان را به تنهایی انجام بدهند.

جمع آوری کردیم و معلولان ذهنی پسر بالای 14 سال را که واقعا خانواده آنها هیچ آگاهی از مکان حرفه آموزی برای این بچه ها که ناتوانی ذهنی دارند و نمی توانند درس بخوانند ولی می توانند استعدادها خود را در زمینه حرفه آموزی نشان دهند نداشتند. این مرکز استیجاری را با امکانات بسیار محدود راه اندازی کردیم و اینها همه لازم بود تا ما این دردها را بکشیم و درس بگیریم.

برای شروع حرفه آموزی، چه شغلی را سرلوحه کار قرار دادید؟

ما در بهزیستی کشور کار معرق را دیدیم به همین دلیل تصمیم گرفتیم که به بچه های معلول خودمان هم معرق یاد بدهیم و برای همین امر مربی معرق برای آنان آوردیم که اتفاقا خیلی خوب جواب داد. یک کارگاه معرق برای معلولان ذهنی 14 تا 33 سال راه اندازی کردیم و بعد ها هم توانستیم از بانک وامی را بگیریم و این مکانی که حدودا 800 متری است و در حال حاضر در آن هستیم را به کمک آن وام خریداری کنیم و بهزیستی هم به ما قول کمک داد.

و آیا آن کمک محقق شد؟

ما به امید این کمک جلو رفتیم ولی این حرف ها تنها وعده ای بیش نبود و بهزیستی هیچ گونه کمکی به ما در این امر نکرد و تنها کمک بهزیستی به بچه های ما، کمک یارانه ای است که برای هر یک از آنها هر دوالی سه ماه یک کمک هزینه 60 هزار تومانی می دهند که به هیچ وجه جوابگوی نیاز بچه های نیست و ما اصلا نمی توانستیم به این کمک ها اکتفا و روی آن حساب کنیم. حتی من مدارکی دارم که بهزیستی گفته است که بچه ها باید نصف شهریه خود را پرداخت کنند درحالی که خانواده های این بچه ها به هیچ وجه قادر به تامین چنین هزینه ای نیستند. ضمن این که این خانواده ها علاوه بر فقر مادی دارای فقر فرهنگی نیز هستند یعنی پدر و مادر این بچه ها نیز معلول هستند که به خاطر ازدواج های فامیلی به این روز دچار شده اند و وارد هر خانه ای که وارد می شوی دو تا سه بچه معلول دارند.

و شما در ادامه کار چگونه هزینه های مرکز را پوشش دادید؟

ما تصمیم گرفتیم بچه ها را "تولیدی کار" کنیم و با فروش محصول تولیدی بچه ها، هزینه های مرکز و بچه ها را تامین کنیم . ما نمی خواستیم با کمک های مردمی به فعالیت های خود ادامه بدهیم و می خواستیم روی پای خود بایستیم من از اول علاقه زیادی به این کارها داشتم و حمایت



شما در راهی که شروع کرده اید، چه توقعی از جامعه ابرار دارید؟

ما در حال تاسیس یک مجموعه دیگر به نام بچه های آسمان هستیم که الان مراحل ثبت آن تمام شده و در روزنامه رسمی هم اعلام شده است. ما این مجموعه را اول به صورت شرکت تعاونی ثبت کردیم و قرار است یک عده ای از خیرین در راه اندازی این مرکز همکاری کنند و ما از جامعه ابرار و از مدیر عامل این مجموعه خواستیم که این کاری را که ما استارت رو زدیم با کمک خیران ادامه پیدا بکند تا امکاناتی هم برای بچه های بی سرپرست، معلولان دختر محمود اباد ایجاد بشود. الان در محمودآباد و حوالی آن بچه های معلول دختر زیادی وجود دارند که به علت ناآگاهی خانواده ها در خانه ها حبس هستند که این موضوع ضرورت ایجاد این مرکز را به اثبات می رساند.

در مورد مجموعه یاس با مشکلات دیگری هم به غیر از مسایل مادی روبه رو شده اید؟ شرایط کار خیلی سخت است. حتی خیلی از مجموعه ها می ترسند از حقوق این بچه ها دفاع کنند و یکسری مجوز داده می شود که نمی توانند از عهده آن برآیند. واقعا در حق این بچه ها ظلم می شود حتی بعضی خانواده ها به خاطر هزینه ای که بهزیستی برای نگهداری این بچه ها به خانواده می دهد به بچه ها اجازه نمی دهند به مراکز حرفه آموزی و آموزشی بروند که مبادا این هزینه قطع بشود. سطح آگاهی مردم این منطقه نسبت به این مسایل کم است.

و مسوولیت مرکز آسمان چه خواهد بود؟

مرکز بچه های آسمان نور، دختران معلول، بچه های بی سرپرست و سالمندان را می خواهد تحت پوشش خود قرار دهد مبلغ شهریه مرکز ما 100 هزار تومان است که از این مبلغ 60 هزار تومان را بهزیستی پرداخت می کند و 40 هزار تومان هم به عهده خانواده ها گذاشته شده است ولی این مرکز هیچ شهریه ای از خانواده ها نمی گیرد زیرا توان مالی پرداخت چنین هزینه ای را ندارند. از بچه ها در بدو وود به این مرکز تست گرفته می شود که بر اساس این تست ها آموزش پذیری این افراد سنجیده می شود. یک زمین در کنار مجموعه ما هست که ما خیلی دوست داریم این مکان را به کمک خیران برای زمین ورزش بچه ها خریداری کنیم و باشگاهی برای بچه ها در آن دایر کنیم و در این راه از اعضای اتاق بازرگانی انتظار داریم ما را در این حوزه حمایت بکنند. مدیر عامل جامعه نیکوکاری ابرار به ما قول داده اند که از تولیدات بچه های مرکز یاس نمایشگاهی ترتیب بدهند که ما منتظر عملی شدن این قول هستیم.

در مرکز یاس چند بخش حرفه آموزی راه اندازی کرده اید؟

در این مرکز هر قسمتی مربی جداگانه ای دارد. ما الان 6 بخش داریم که چهار بخش آن به حرفه آموزی اختصاص دارد و دو بخش آن کار درمانی و گفتاردرمانی که همراه با این آموزش ها این بچه ها آموزش مهارت های زندگی را نیز می بینند. مرکز ما اصلش مرکز حرفه ای است و باید 70 درصد فعالیت به مسائل حرفه ای بچه ها اختصاص داده بشود و 30 درصد به بخش آموزشی. در این قسمت گفتار درمانی و آموزش مهارت های زندگی و خودیاری به بچه ها آموزش داده می شود.

دلیل اصلی موفقیت شما در این مجموعه چه بوده است؟

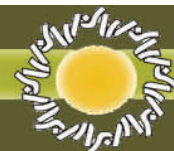
موفقیت اصلی مجموعه یاس به علت برگزاری نمایشگاه های متعدد از کار بچه ها در سراسر کشور است. عقیده من بر این است که در دنیا هیچ غیر ممکن وجود ندارد و خداوند نعمتی را این بچه ها گرفته ولی چیزهای با ارزش دیگری را به آنان هدیه داده است. ما با این بچه ها مصاحبه ای کردیم و از آنها پرسیدیم اگر خدا اینجا بود از خدا چه می خواستید؟ اکثریت بچه ها گفتند که ما همه مریض ها را شفا می دادیم و تابلو درست می کردیم و توانبخشی را نجات می دادیم. اگر به این بچه ها عشق بدهید و آنان را باور کنید استعدادهای آنها شکوفا می شود.

نمونه بارزی از موفقیت این معلولان دارید؟

بله، ما یک عقب مانده ذهنی سندروم داون داریم که وقتی کار حرفه ای این بچه را می بینید واقعا لذت می برید. من باورم این هست که هیچ غیر ممکن در این دنیا وجود ندارد و حتی آن بچه ای که ایزوله هست وقتی دستش را می گیری چشم هایش را باز می کند یعنی محبت را لمس می کند. ممکن است خداوند جسم این بچه ها را گرفته باشد ولی روح این بچه ها وجود دارد. هم اکنون بچه های ما تولیدات بسیار خوبی دارند. الان 2 سال است که به خاطر نمایشگاه هایی که در تهران از تولیدات این بچه ها ترتیب داده ایم راه خیلی هموارتر شده است.

از مقامات حمایتی متوجه مرکز شده است؟

آقای مهندس هندویی رییس خانه صنعت استان مازندران و آقای دکترغنی فر رییس خانه صنعت ایران و نماینده محمود اباد آقای احمد ناطق نوری واقعا به این مجموعه لطف داشته اند. این افراد مرتب به مرکز ما سر می زنند و از روزی که دیدند که هدف ما رساندن این بچه ها به مراتب بالا است کمک خود را شامل حال ما کردند و اتاق بازرگانی نیز از جمله نهاد هایی بود که به ما کمک کرد.



بازرگانی نیاز مبرم داریم و انتظار داریم افرادی را برای بررسی مرکز ما بفرستند و به برگزاری نمایشگاه های متعدد برای عرضه تولیدات بچه های این مرکز کمک کنند. امید بچه های ما به خیران اتاق بازرگانی است .
و در پایان؛ آیا شماره حسابی برای واریز کمک های مردمی به این مرکز وجود دارد؟
برای ارسال کمک های مردمی به این نهاد می توانید به شماره حساب 1639910817 نزد شعبه بانک ملت در محمود آباد پول واریز کنید.

شما در راه اندازی این مجموعه وام گرفتید. در بازپرداخت آن دچار مشکل نشدید؟

ما برای مرکزی که الان داخل ان هستیم از بانک ملت وام گذفتم که به علت این که قادر به پرداخت اقساط این وام نشدیم بانک آمد که آن را مصادره کند اما وقتی مسوولان بانک ملت بچه های مرکز ما را دیدند گفتند ما نمی توانیم این مجموعه را مصادره کنیم آقای انوجی سرپرست بانک ملت در استان مازندران گفتند تا وقتی که من سرپرست باشم اجازه نخواهم داد این مرکز مصادره بشود. آقایان انوجی و ناطق نوری از افراد خیری که خود می شناختند کمک گرفتند تا این مجموعه را نجات بدهند و مبلغ این وام را تا حد زیادی پرداخت کردند و در حد توانشان به این مرکز کمک کردند . این افراد نقش زیادی در ادامه فعالیت ها مرکز ما داشتند ودر این جا من از آنها تشکر می کنم .

برای تامین وسیله نقلیه اقدامی انجام داده اید؟

مجموعه ما 50 نفر ثبت نامی دارد که تنها 30 نفر در این مجموعه حضور دارند وبقیه بچه ها به دلیل نداشتن وسیله نقلیه از آمدن به این مرکز محروم شده اند چون مرکز ما سرویس ندارد و ما واقعا نمی توانیم پول سرویس همه را تقبل کنیم. پارس خورو 31میلیون را متقبل شد و دو میلیون تومان هم ایساکو و ما برای تویوتا ثبت نام کردیم که مبلغ ماشین ما 60 میلیون هست و از ابرارخواهش می کنیم که با کمک خیران اتاق بازرگانی بقیه این مبلغ را نیز به ما کمک کنند. ما به کمک ماهانه اتاق

خبرنگار:
شهرزاد شهابی
فاطمه اسماعیلی